

زندگی

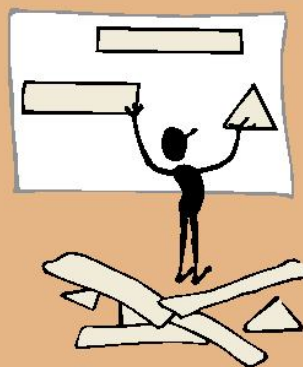


مدتهاست درباره آنچه در زندگیمان
انجام می دهیم، فکر می کنم...

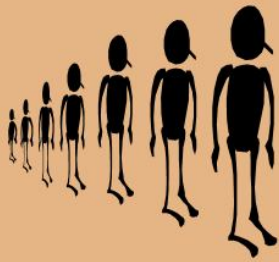


مدرسه را با آموختن اینکه چگونه
شهروند خوبی باشیم، آغاز می کنیم.

بیشتر دوران کودکیمان را صرف
آموزش می کنیم،



و سرانجام مدرکی می گیریم که ضامن رسیدن ما
به یک موقعیت خوب باشد



به خیل بیکاران می پیوندیم...

تا بالاخره کاری گیر می آوریم...



با آزمونهای سخت، در دنیای کار پذیرفته می شویم.



وظایف حرفه ای خود را با تلاش و فعالیت زیاد انجام می دهیم.

تلاش ... و باز هم تلاش ...



تا وقتی که بی رمق شویم.

ولی ما حرفه ای شده ایم و سهم زیادی در بازار داریم.





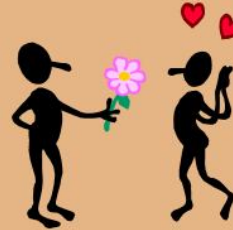
... ما اهداف تازه ای
را دنبال می کنیم



زمان همچنان می گذرد
و ...



... و با او پیمان
عشق ابدی می بندیم.



شریک زندگیمان
را می یابیم ...



... شب لعنتی، نتوانستم
چشم به هم بذارم.



و آنگاه بچه ای به
خانه مان می آید.



هم آغوشی
احساسی ...



تلاش می کنیم تا بهترین
بهره را از زمان ببریم.



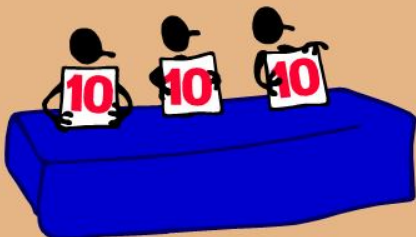
در جامعه پیشرفت می کنیم.



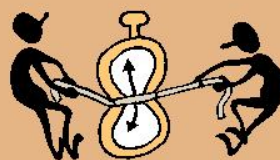
و بالاخره ثروتمند
می شویم.



هر جا می رویم ، همچون
ستاره می درخشیم.



تا به پیروزی نهایی برسیم.



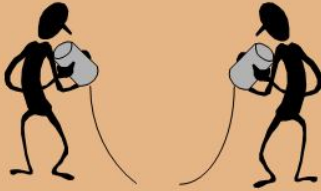
ولی به زمان بیشتری
نیاز داریم.



دیوانه می شوی ...



وای! روزی می گویند که بدون تو هم کارشان پیش می رود.



حس می کنی ارتباطت با همه چیز قطع شده است.



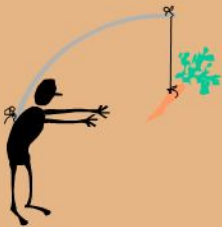
احساس تباهی می کنی



اکنون دیگر زمان نمی گذرد، ولی همچنان آن را هدر می دهی.



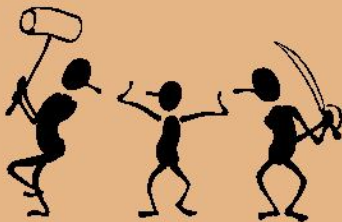
پی میبری که از همه چیز بریده ای



در جستجوی یک هدف احمقانه.



پی میبری که در ابرها زندگی می کرده ای.



سعی می کنی از دشمنانت بگریزی.



به یک روح سرگردان مبدل می شوی.



سرانجام وقتش فرا می رسد.



تنها کسی هستی که در انتظار سپری شدن ساعت هستی.



در خلال این ارزیابی، ایده ای
برای بهبودی زندگی به ذهنم رسید.



سعی می کنم دریچه قلبم
را به روی عشقم باز کنم.



همه چیز را آسان
می گیرم.



زمان بیشتری را با
دوستانم سپری می کنم.



به اطرافیانم بیشتر
توجه می کنم.



نه،
دیگر با دیگران لب خوانی
نمی کنم،
خودم آواز می خوانم.



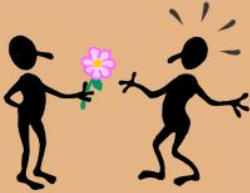
سعی می کنم بیشتر
سفر کنم.



سعی می کنم غذاهای
خوش مزه ای بپزم.



بیشتر به کنار دریا
خواهم رفت



کمی بیشتر عشق بورزم.



سعی می کنم به محفل
گرمابخش دوستانم
پیوندم.



و برای رسیدن به
اهداف مشترک،
به دیگران پیوندم



از شنیدن خبری از دوستانم،
خوشحال تر خواهم شد.



«خب، هر جور
دوست داری فکر
کن، ولی من آدم
خوبی هستم»



مطمئن نیستم، ولی فکر
می کنم به امتحانش
می ارزد.



در زدودن زشتی های دنیا،
مشارکت می کنم.



وقتی زمانم رسید.



و امیدوارم که متوقفم نکنند.



نمی دانم این ارزیابی برای همه مفید بوده یا نه، ولی مطمئنم که
تاثیر شگفت انگیزی بر من داشته است...
که این از اهمیت بیشتری برخوردار است.
شما اینطور فکر نمی کنید؟

ترجمه: blueblankstar@yahoo.com